

ID	word	translation
1	acclame	تحسين کردن
2	alienation	بیگانگی
3	attribute	نسبت دادن
4	audition	تست هنرپیشگی گرفتن
5	back & forth	عقب و جلو رفتن
6	barren	زمین بایر
7	beautician	آرایشگر
8	behalf	بابت
9	blameworthy	مقصر
10	blurb	خلاصه کتاب
11	break down	شکست، خرابکاری
12	cardiologist	متخصص قلب
13	cease	توقف کردن، ادامه ندادن
14	chronic	مزمن
15	civility	نجابت
16	clutter	به هم ریخته، نامنظم
17	coin	ساخت کلمه جدید، مصطلح کردن
18	commute	سفر از حومه به شهر
19	compress	فشرده کردن
20	cope with	deal with
21	counterproductive	ضد تولیدی
22	crackle	جیلیز ویلیز
23	culprit	متهم
24	delegate	نماینده، وکیل
25	demote	تنزل رتبه، کسر مقام
26	deviation	انحراف، از راه به در شدن
27	digestive	گوارشی
28	doom	محکوم بودن
29	down-to-earth	واقع بین
30	drum	کوبیدن، زدن
31	entitlement	حق
32	escalate	افزایش یافتن
33	evolve	پیشرفت، بازگشایی
34	exacerbate	بدتر کردن، تشدید کردن
35	expose	افشا کردن، در معرض نمایش گذاشتن
36	extracurricular	فوق برنامه
37	fight-flight	آزاد کردن انرژی

38	flare	ناگهان عصبی شدن
39	freelance	خود اشغالی
40	frought	پر از مشکل و سختی
41	hard-wired	اخلاق ذاتی
42	haste make wast	عجله باعث اشتباه میشود
43	hazard	خطر
44	healer	التیام دهنده، تسهیل کننده
45	hypertension	فشار خون
46	idiot-proof	کار ساده، احمقانه
47	immune	سیستم محافظتی بدن
48	impunity	مصونیت
49	inclination	تمایل، طبیعت
50	inclination	طبیعت، نهاد
51	incompetent	بی کفایت، بی دست و پا
52	ingrain	دیرینه، ذاتی
53	ingredient	عنصر، اجزا
54	intensity	شدت
55	interval	وقفه
56	intolerable	غیر قابل تحمل
57	irresistable	غیر قابل مقاومت
58	jaywalking	عبور از وسط خیابان
59	let alone	چه برسد به
60	let go	give up
61	maelstorm	توفان (جنگ، بیماری)
62	mall	مرکز خرید
63	mortgage	رهن
64	nuclear family	والدین و فرزندان
65	oblivious	ناآگاه
66	on end	پیوسته، متوالی
67	orientation	راهنما، معرفی کننده درس
68	outlet	مغازه
69	overdrawn	ورشکسته
70	overdue	انجام نشده، پرداخت نشده
71	overload	اضافی، زیاد
72	overrated	پر ارزش، بیش از حد انتظار
73	overreact	فوق واکنش نشان دادن
74	oversleep	زیاد خوابیدن، خواب ماندن

ID	word	translation
75	overstaffed	اضافه کارگر
76	overstatement	غلو کردن، بزرگنمایی
77	overestimate	تخمین زیادی
78	overweight	اضافه بار، اضافه وزن
79	pace	به سرعت
80	palpitation	تپش قلب
81	panic	هراس
82	paradox	تناقض
83	peak	نقطه اوج، حداکثر
84	permissible	مجاز، روا
85	predominance	برجستگی، فرهیختگی
86	pregnancy	بارداری
87	prevalence	شایع، گسترده
88	prioritize	اولویت بندی کردن
89	proliferate	چند برابر شدن، زیاد شدن
90	prolong	مدید
91	quaint	زیبا، بدیع
92	queue	صف
93	rash	بی گذار، بی احتیاطی
94	redundant	کارگر اخراجی، اضافی
95	rehearsal	تمرین، نمایش
96	repress	سرکوب کردن
97	rooted	ریشه دار
98	self-center	خودخواه، خودشیفته
99	set-aside	put away, discard
100	sit-com	طنز
101	snuggle	ساکن شدن، محاله شدن انسان
102	solely	فقط، منحصر، به تنهایی
103	spare	تهیه کردن، فراهم نمودن
104	spawn	تولید کردن، ایجاد نمودن
105	specimen	نوع، گونه
106	spectacular	تماشایی، چشمگیر
107	streamline	ساده و موثر کردن
108	stretch	کشش اندام ها
109	susceptible	بی دفاع، نا مقاوم
110	sweep	جاروب کردن، حرکت دادن سریع
111	symptom	نشانه (بیماری)
112	tackle	از عهده برآمدن، مبارزه کردن
113	temper	عصبی بودن

114	temper flare	عصبانی شدن مردم
115	threshold	درگاه، آستانه در
116	tranquil	آرام، آسوده
117	trend	روند، رویداد
118	turbulent	آشفته، متلاطم
119	undertake	بر عهده گرفتن
120	unprecedented	بی سابقه
121	urge	تشویق کردن
122	venue	محل تجمع
123	absenteeism	غیبت
124	advocate	دفاع کردن، طرفداری
125	broadband	ارسال چندین کانال
126	bully	قلدری کردن
127	compulsory	وظیفه
128	concrete	حقیقت، واقعیت
129	corporal	بدنی (تنبيه)
130	correspondence	مکاتبه
131	deliberately	عمدا، با تامل
132	detention	تنبيه مدرسه مانند
133	deterrent	مانع، سد
134	discount	نادیده گرفتن
135	discriminatory	تبعیض آمیز
136	disgraced	رسوایی، بی آبرویی
137	divide	شکاف، فاصله بین دو نفر یا گروه
138	domain	حوزه، قلمرو علمی
139	enthusiasm	علاقه
140	equitable	منطقی
141	exclusively	انحصارا
142	exposure	در معرض دید قرار گرفتن
143	feathery	پر مانند
144	fee	شهریه
145	feedback	بازخورد
146	feminization	فمینیسم
147	field trip	سفر علمی
148	fluctuation	افت و خیز، تغییر
149	fund	سرمایه
150	gap	فاصله عمیق، شکاف
151	hibiscus	گیاه بامیه
152	home schooling	

ID	word	translation
153	honor roll	دانشجویان منتخب
154	impartial	بیطرفانه
155	implement	اجرای کردن
156	implementation	اجرای
157	in full	کاملا
158	inborn	نهادی، فطری
159	indication	نشان، اشاره
160	innate	فطری، غریزی
161	inner city	بخش مرکزی شهر
162	interpersonal	میان فردی
163	interval	فرجه، وقفه، خلال
164	literacy	توانایی خواندن و نوشتن
165	long-standing	طولانی، دراز مدت
166	mainstream	مسیر اصلی، معمول
167	margin	مابه التفاوت
168	noteworthy	قابل توجه
169	outdo	بهتر از دیگران انجام دادن
170	outgrow	بزرگ تر شدن از
171	outlast	بیشتر طول کشیدن
172	outlive	بیشتر زندگی کردن
173	outnumber	بیشتر بودن
174	outperform	به نتیجه بهتری رسیدن
175	outrun	جلو افتادن، بیشتر دویدن
176	outspoken	رک و راست
177	outweigh	مهم تر بودن
178	outwit	زرنگ تر بودن، گول زدن
179	pamper	لوس کردن
180	parochial school	مدرسه وابسته به کلیسا
181	policy	سیاست؛ استراتژی
182	presume	فرض کردن
183	prioritize	اولویت بندی کردن
184	proportion	نسبت
185	rival	حریف
186	sabbatical	شنبه ای، مرخصی فصلی اساتید
187	segregate	تفکیک کردن
188	self-indulgence	تن آسایی
189	sexism	تبعیض جنسیتی
190	shrink	آب رفتن، کوچک شدن
191	stability	تعداد، ثبات، دوام

192	submit	تسلیم کردن، ارائه دادن
193	substantial	تعداد قابل توجه
194	subtle	ظریف، ریز
195	thrive	پیشرفت کردن
196	touchdown	امتیاز گیری در فوتبال آمریکایی
197	touchy	زودرنج، حساس
198	truancy	غیبت، دوری از مدرسه
199	undervalue	کمتر از ارزش تخمین زدن
200	vice versa	خلاف چیزی، بر عکس
201	virtually	کمابیش
202	vocational school	آموزش تخصصی
203	wisdom	خرد، دانایی
204	withdraw	عقب کشیدن، رد کردن
205	adapt	تطبیق دادن
206	aggression	پرخاشگری
207	alter	تغییر دادن، عوض کردن
208	ancestor	جد، نیا
209	arcade	گذرگاه طاقدار
210	arid	خشک، بایر
211	barrier	مانع، سد
212	blimp	بالون هوایی
213	break down	در هم شکستن، سقوط ناگهانی، عدم موفقیت
214	broaden	پهن کردن، گسترش دادن
215	Buddhist	بودا
216	chassis	شاسی خودرو
217	cite	ذکر کردن، ایراد کردن
218	classify	گروه بندی کردن
219	collision	تصادف
220	confrontation	مقابله، تقابل دو گروه
221	consumption	مصرف کردن
222	convert	تبدیل کردن، وارونه کردن
223	cope	حریف شدن، از عهده بر آمدن
224	defensive	تدافعی، محافظه کار
225	defy	نافرمانی کردن، به مبارزه طلبیدن
226	demonstrator	راهپیمایی کننده
227	depict	نشان دادن
228	detergent	گند زدا
229	dignity	وقار، والا مقام
230	editorial	سرمقاله

ID	word	translation
231	endorsement	شعار یک فرد معروف در تبلیغات
232	established	تثابت، برقرار، مسلم
233	ex-communicate	اخراج از دین، تکفیر
234	extract	بیرون کشیدن
235	ex-wife	همسر قبلی
236	fertile	حاصل خیز، پرثمر
237	flavoring	ادویه
238	flyer	بروشور
239	globalization	جهانی شدن
240	grant	کمک بلا عوض، بخشش، واگذاری
241	grave	مهم
242	headquarter	ارگان، قرارگاه
243	herb	ادویه
244	hermit	زاهد
245	hindrance	سد، مانع
246	horrific	مخوف، دهشتناک
247	hostel	هتل ارزون
248	illustrate	نشان دادن، شفاف سازی کردن
249	immediacy	فوریت
250	induce	سبب شدن
251	inedible	غیر قابل خوردن
252	inevitable	اجتناب ناپذیر، حتمی
253	inferiority	پستی، مادونی
254	initial	اولیه، شروع
255	instantaneous	آنی، ناگهانی
256	intimacy	رفاقت، نزدیکی بودن
257	irreversible	برگشت ناپذیر
258	irrigate	آبیاری کردن
259	jargon	زبان فنی، اصطلاح
260	lavatory	دستشویی، مستراح
261	legible	خوانا، روشن
262	legitimate	مشروع، قانونی
263	loosefitting	گشاد
264	maintain	تحمّل کردن، پایدار ماندن
265	malnutrition	سوء تغذیه
266	menacing	تهدیدآمیز
267	negotiation	مذاکره
268	obsession	وسواس
269	obstacle	سد، مانع

270	offence	جرم
271	outskirt	حومه شهر
272	pale-skinned	رنگ پریده (بیماری، ترس)
273	pamphlet	مجله تبلیغاتی
274	perceptible	قابل درک، ادراک شدنی
275	portray	تصویر کردن، توصیف
276	prior	پیش از، اولی، قبل از
277	rational	معقول، منطقی
278	recipe	دستور آشپزی
279	reversible	لباس دو رو
280	scare off	ترساندن از کاری، چیزی
281	simultaneous	همزمان، همبود
282	skywriting	نوشتن با دود هواپیما
283	sleeveless	رکابی، بی آستین
284	slim	باریک اندام
285	slogan	شعار تبلیغاتی
286	sophistication	کمال، تجربه، دنیا دیدگی
287	spiritual	معنوی، روحانی
288	standardize	استاندارد سازی
289	sustain	تحمّل کردن، پایدار ماندن
290	swerve	منحرف شدن، عدول کردن
291	tangible	قابل لمس
292	telemarketing	تجارت با تلفن
293	threat	تهدید، خطر
294	trailer	فیلم کوتاه تبلیغاتی
295	tremendous	عالی
296	tutor	تدریس خصوصی، معلم سرخانه
297	undercharge	کم حساب کردن، کم گرفتن
298	underdeveloped	توسعه نیافته، عقب افتاده
299	undergo	متحمّل شدن، دستخوش چیزی شدن
300	undermine	خراب کردن، گند زدن، سست کردن
301	undermine	سست کردن، کم اثر کردن
302	undernourished	سوء تغذیه
303	underpaid	کم درآمد
304	underrated	کمتر از ارزش تخمین زده
305	underscore	خط کشیدن زیر لغت
306	undersell	زیر قیمت فروختن
307	undertake	قبول کردن، مسئولیت پذیرفتن
308	underwrite	حمایت مالی

ID	word	translation
309	unheard of	بی سابقه، غیر معمول
310	viable	قابل دوام، ماندنی
311	vindictive	کینه جویی، انتقام
312	washday	روز شست و شو
313	waterway	راه آبی، کانال
314	whilst	در حالی که while
315	adrift	سرگردان شناور
316	alien	بیگانه
317	arachnid	عنکبوتیان
318	atop	در بالا، بالای
319	befriend	دوستانه رفتار کردن
320	benediction	دعای خیر
321	benefactor	بانی خیر، نیکوکار
322	beneficial	سودمند، مفید
323	beneficiary	ذینفع
324	benevolent	کریم، نیکخواه
325	berry	توت
326	bibliography	کتاب فهرست کتب
327	blessing	برکت، دعای خیر
328	bob	بالا و پایین رفتن قایق
329	bond	عهد و میثاق بستن
330	build up	افزایش یافتن
331	capsize	واژگون کردن قایق
332	carnivore	گوشتخوار
333	chafe	خاراندن
334	chatter	چهچهه، صدای حیوانات
335	cling	وفادار بودن، چسبیدن
336	collapse	فروریختن، سقوط، از حال رفتن
337	cosmetic	لوازم آرایشی
338	crash	تصادف
339	creditor	طلبکار
340	crustacean	سخت پوستان
341	debtor	مدیون، بدهکار
342	dehydrate	تمام شدن آب بدن
343	despair	یأس
344	dive	شیرجه زدن
345	drift	حرکت آرام، روان بودن
346	dump	دور ریختن
347	ecological	زیست محیطی

348	embark	عزم سفر با کشتی (۷)
349	extinction	انقراض
350	eye piece	عدسی دوربین
351	feed on	غذا دادن
352	fin	بال ماهی یا کوسه
353	funeral	مراسم تدفین
354	grief	تاسف، غم، اندوه
355	herbivore	گیاه خوار
356	hitchhike	مسافرت مفتی
357	howl	زوزه کشیدن از درد
358	illusion	خیال باطل، خطای حسی
359	immoral	بد اخلاق
360	inhumane	غیر انسانی
361	insectivor	حشره خوار
362	intuitive	شهودی
363	invasion	تهاجم، تجاوز به خاک کشوری
364	jumpy	نگران
365	keep up	خوب نگه داشتن، به سرعت کسی رفتن
366	maladjusted	ناسازگاری
367	malevolent	بدخواه
368	malice	کینه، بدجنسی
369	maltraet	بدرفتاری کردن
370	marsupial	کیسه داران
371	mob	غوغا، ازدحام
372	mollusk	نرم تن، حلزون
373	mourner	ماتم دار، صاحب عزا
374	nudge	سقلمه، زدن، اشاره
375	omnivor	همه چیز خوار، خوک
376	ownership	مالکیت، دارندگی
377	pang	تیر کشیدن، سوزش
378	pat	نوازش کردن، دست نوازش کشیدن
379	poisonous	سمی
380	predator	شکارچی، درنده
381	primate	پستانداران نخستین، انسان نماها
382	profuse	سرشار، لبریز
383	raging	طغیان کننده، قدرتمند
384	recipient	وصول کننده، دریافت کننده
385	rescue	نجات دادن
386	roar	غرش

ID	word	translation
387	saucepan	روغن دان، ماهی تابه
388	savior	ناجی
389	seaborne	دریا برد، حمل شده از دریا
390	set out	تنظیم کردن، شروع بکار کردن
391	slip on	لباس پوشیدن
392	smash	خرد شدن، شکستن
393	sore	زخم، جراحت
394	species	نوع، گونه
395	spiteful	کینه توز، معاند
396	stagger	تلو تلو خوردن
397	stingray	نوعی سفره ماهی سمی
398	subside	فرو نشستن، آرام شدن
399	tease	دست انداختن، خندیدن به
400	trip	سکندری خوردن، پشت پا زدن / خوردن
401	welfare	آسایش، رفاه
402	wreckage	لاشه، بقایا
403	absurd	پوچ، یاوه
404	aesthetics	زیبایی شناسی
405	ally	متحد، هم پیمان
406	auction	حراجی، مزایده
407	auctioneer	دلال، متصدی حراج
408	authenticate	تصدیق کردن، اعتبار دادن اصل
409	ballet	رقص هنری، ورزشی
410	barking up the wr	گمان اشتباه کردن
411	bead	مهره، دانه تسبیح
412	bound	مقید، مجبور
413	brushstroke	اثر قلم
414	cardboard	مقوا
415	caricature	کاریکاتور
416	cast	بازیگر
417	chilling	ترساندن
418	compel	مجبور کردن
419	composition	ترکیب، ساخت هنری
420	comprise	شامل بودن
421	compromise	مصالحه کردن، توافق
422	conceptual	فکری، ادراکی
423	confer	اعطا کردن مدرک، جایزه
424	conform	مطابقت داشتن، همنوایی
425	controversy	مناقشه، مجادله

426	craftsmanship	استاد کاری
427	criteria	معیار
428	delicacy	ظرافت، حساسیت
429	devote to	پرداختن، خرج کردن زمان
430	discontent	ناخشنودی، نارضایتی
431	discredit	بی اعتبار کردن
432	discrepancy	ناهمخوانی، تفاوت
433	disintegrate	تکه تکه شدن
434	dispassionate	بی طرف، بدون غرض
435	disqualify	محروم کردن، سلب صلاحیت
436	disrepair	خرابی
437	dissent	اختلاف عقیده
438	dissident	شاکي، مخالف
439	distinctive	ممتاز، مشخص
440	distract	حواس پرت کردن
441	diversity	تنوع، گوناگونی
442	engagement	مشارکت
443	evoke	احضار کردن، فراخواندن
444	eye-catching	چشم گیر، جالب توجه
445	fake	تقلب، جعل
446	falsehood	دروغ، کذب
447	floorboard	کف تخته ای
448	forgery	جعلی، سند سازی
449	fraud	کلک زدن، کلاه برداری
450	fresco	نقاشی دیواری
451	fruitful	پرثمر
452	fuss	نگرانی بیجا، غوغا
453	household	خانوار، خانواده
454	illuminating	روشن کردن، شفاف سازی
455	impart	بهره مند نمودن
456	intellectual	عقلانی، ذهنی
457	intelligible	شفاف، ساده
458	interpretation	تفسیر کردن، تشریح کردن
459	intriguing	هیجان انگیز
460	ism	مکتب، اصول
461	liable	مسئول، مقصر
462	measles	سرخک
463	medium	رسانه
464	mezzanine	نیم طبقه

ID	word	translation
465	misplaced	نا بجا، نامناسب
466	mount	افزایش یافتن، قوی شدن
467	mount	نصب کردن، ضمیمه کردن
468	mumps	بیماری کودکان، گواتر
469	negligence	غفلت، اهمال
470	nod	تکان سر به نشانه توافق
471	notion	عقیده، نظر
472	obscure	مبهم، نامفهوم
473	open ended	بی سر انجام
474	paper trail	اسناد کاری
475	provenance	منشأ، زادگاه
476	provoke	تحریک کردن
477	reckon	گمان کردن
478	reproduction	کپی، تقلبی
479	resonant	قدرت یادآوری
480	reveal	فاش کردن، آشکار کردن
481	rhyme	قافیه
482	sculptor	مجسمه ساز، حجار
483	sculpture	مجسمه
484	shrewd	باهوش، ناغلا
485	solid	خشک، جامد
486	spectator	تماشاچی
487	spill over	پخش شدن
488	stab	ور رفتن بدون تجربه
489	stiff	محکم، انعطاف ناپذیر
490	submarine	زیر دریایی
491	surrealism	فرا واقعیت گرایی
492	swirling	چرخیدن، دور زدن
493	terrain	زمین (جغرافیایی)
494	ubiquitous	حاضر، موجود
495	underlying	اصولی، اساسی
496	utilize	استفاده کردن
497	water color	آبرنگ
498	weeping	گریه کننده
499	wing	بخشی از ساختمان (چسبیده و کوچک)
500	wrinkle	چین و چروک
501	aspiration	اشتیاق، آرزو
502	asset	چیز مفید، سودمند
503	ban	ممنوع

504	blueprint	نشه، طرح اولیه
505	break out	شیوع یافتن
506	break through	عبور از مانع // پیشرفت، جلو رفتن، دستاورد
507	brutish	خشن
508	canteen	غذاخوری
509	casualty	تلفات، زخمی
510	causality	علیت، علت و معلول
511	cedar	درخت سدر
512	cloak	مستور، پنهان
513	clone	تولید مثل غیر جنسی
514	conscious	هوشیار، ملتفت
515	convict	محکوم کردن مجرم
516	corny	چرند
517	cramped	شلوغ، درهم بر هم
518	crave	آرزو کردن، طلبیدن
519	crop	چینه دان، محصول زراعی
520	cut	کاهش دادن
521	cynic	بدبین، خود محور
522	decline	کاهش دادن
523	demography	آمار گیری، جمعیت شناسی
524	destined	عازم، مقدر
525	disused	غیر قابل استفاده
526	dominate	چیره شدن، تسلط یافتن
527	dramatic	چشمگیر
528	dreary	افسرده، کسل
529	drone	زنبر نر
530	drug trafficking	قاچاق مواد مخدر
531	duplicate	کپی
532	embryo	جنین، رویان
533	enclosed	ضمیمه شده
534	envisage	مواجه شدن، مجسم کردن
535	enzyme	آنزیم
536	erect	برپا کردن، راست کردن
537	erupt	فوران
538	evict	بیرون کردن (به علت اجاره)
539	excessive	مفرط، بیش از اندازه
540	exhaustion	خستگی، فرسودگی
541	exodus	مهاجرت دسته جمعی، تخلیه
542	exorcist	جن گیر

ID	word	translation
543	exquisite	نفیس، حساس
544	extrovert	برونگرا
545	fated	مقدر
546	fertility	باروری
547	fiscal	مالی، مالیاتی
548	frivolous	احمق، سبک رفتار
549	futile	بیهوده
550	gauge	اندازه گیری کردن
551	gossip	سخن چینی؛ شایعه پردازی
552	habitat	طبیعت
553	halt	ایست، مکث، درنگ
554	herbicide	علف کش، ضد رویش
555	hurdle	مانع پرش
556	implication	نتیجه، پیامد
557	impulsive	بی ملاحظه، کوتاه بین
558	inexorable	حتمی، تسلیم نشدنی
559	introspective	درون بین
560	introvert	درون گرا
561	jury	هیئت ژوری
562	landscape	منظره، چشم انداز
563	lifespan	طول عمر
564	mahogany	درخت ماهون
565	managerial	مدیریتی
566	manuscript	دستخط، نوشته
567	median	میان، وسط
568	misused	سوء استفاده، بد به کار بردن
569	monetary	پولی
570	novelty	تازگی، نوظهور
571	oasis	واحه، آبادی
572	offspring	اولاد، فرزند
573	onset	تاخت و تاز، وهله، شروع
574	optimist	خوش بین
575	organic	طبیعی (غذا)
576	organism	موجود زنده
577	outback	دور افتاده در استرالیا
578	peninsula	شبه جزیره
579	pension	حقوق بازنشستگی
580	perpetuate	دائمی کردن، همیشگی
581	pessimistic	بدبین

582	plagiarist	سرقت ادبی
583	pool	حمایت کردن، تامین کردن
584	preceded	گذشته
585	preclude	پیشگیری کردن
586	precocious	باهوش، پیشرس
587	preconceived	پیش داوری، عقیده از قبل
588	prefabricated	پیش ساخته
589	preface	مقدمه، پیش گفتار
590	premature	پیش رس، نارس
591	premeditated	با قصد قبلی (جرم)، عمدی
592	presume	فرض کردن
593	preview	قبلا رویت کردن، پیش دید
594	projection	پیش بینی کردن
595	proponent	طرفدار، حامی
596	pros & cons	مزایا و معایب
597	prospect	چشم انداز، پیش بینی آینده
598	quota	سهمیه
599	racist	نژاد پرست
600	rake	شن کش، صاف کردن
601	ratio	نسبت، نسبیت
602	refrain	خودداری
603	refugee	پناهنده
604	remote	دور افتاده
605	retailer	خرده فروش
606	revive	زنده کردن، احیا کردن
607	scorching	سوزان، تفتان
608	self-evident	بدیهی
609	self-perpetuating	خود نگهدار
610	sentimental	احساساتی
611	sideboard	بوفه
612	socioeconomic	اجتماعی-اقتصادی
613	sprout	جوانه زدن، دوچندان شدن
614	stabilize	تثبیت کردن، استوار کردن
615	stark	خشن، خشک
616	statistician	آمارگر
617	steep	سراشیبی (کاهش)
618	stifling	طاقت فرسا
619	strike	ضربه زدن، ضربت ناگهانی
620	strive	کوشش، جهد

ID	word	translation
621	subsequent	بعدی، ثانویه، متعاقب
622	suburb	حومه شهر
623	suffocate	خفه کردن، شدن
624	surveillance	نظارت، مراقبت
625	survive	نجات دادن، نجات یافتن
626	sweep	حرکت دادن (جمعیت)
627	teem with	پر بودن
628	tenant	مستاجر
629	thousandfold	هزار برابر
630	toxin	سم
631	trek	سفر، کوچ
632	unquestioned	بررسی نشده
633	vandal	خرابکار، شرور
634	victor	پیروزی
635	vigorous	نیرومند، قوی
636	wage-earner	نان آور، bread winner
637	weed	علف هرزه
638	wilderness	صحرا، بیابان
639	wreck	نابود کردن، متلاشی کردن

